



## همگرایی منطقه‌ای در مسئله هلمند

روح‌الله شیخ‌زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

منازعه بر سر آب از گذشته دور تا به حال در داخل کشورها و در عرصه بین‌المللی جریان داشته است. در این میان، نقش هیدروپولیتیکی دریای هلمند و مسئله حقابه آن بر رابطه بین دو کشور افغانستان و ایران از زمان معاهده پاریس سال ۱۸۵۷م تا کنون تأثیر گذارده است. این دریا تا کنون شش نظام حقوقی را پشت سر گذاشته است؛ اما اختلافات سیاسی بین دو کشور راه را برای اجرای کامل این نظام‌ها بسته است. در کنار توافقات حقوقی، درک پتانسیل‌های هر دو کشور جهت ایجاد همکاری‌های اقتصادی و بسط این مناسبات به همکاری در زمینه‌های دیگر، از جمله راه‌کارهایی است که باعث ایجاد همگرایی بین دو کشور و کاهش تنش‌ها می‌شود.

واژگان کلیدی: هیدروپولیتیک، همگرایی، وابستگی متقابل، تسری (سرریزی)، منطقه‌گرایی.



بنیاد اندیشه  
تاسیس ۱۳۹۴

۱. نویسنده و پژوهش‌گر (ruhollahsh@gmail.com)

## مقدمه

عامل جغرافیایی از جمله عواملی است که می‌تواند بر سیاست میان کشورها تأثیرگذار باشد؛ از این رو، در اصطلاح، ژئوپولیتیک<sup>۱</sup> دیدگاهی است در سیاست خارجی که با هدف آن تبیین و پیش‌گویی رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی کشورها بر حسب محیط طبیعی ایجاد شده است؛ یعنی رویکرد ژئوپولیتیک بیانگر تأثیر قطعی و جبری جغرافیا در وقایع سیاسی و تاریخی می‌باشد (پلینو و آلتون، ۱۳۷۵: ۱۳۱-۱۳۲). از سوی دیگر، هیدروپولیتیک<sup>۲</sup> به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد؛ اعم از آن‌که در داخل کشورها و یا بین آن‌ها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). آب‌ها از عواملی هستند که نقش تأثیرگذار بر سیاست کشورها دارند؛ به طوری که علاوه بر تأثیرگذاری بر سیاست داخلی، سبب تقویت کشور در محیط بین‌المللی می‌شود؛ هم‌چون دریای ولگا و دن در شوروی. حتی در موارد خاصی دریاها بین‌المللی تعیین‌کننده و اهرم فشاری در سیاست بین کشورها هستند؛ مانند کشور ترکیه که از دریاها دجله و فرات به عنوان اهرم فشار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای عراق و سوریه استفاده می‌کند و یا منازعات اسرائیل، اردن و سوریه بر سر دریای اردن (کاوایانی‌راد، ۱۳۸۴).

آب ماده‌ی حیاتی و منبع حفظ آبادانی و زراعت در حوضه<sup>۳</sup> آبریز هلمند بوده است؛ به طوری که از گذشته تا کنون از این منطقه به عنوان منطقه‌ای حاصل‌خیز و «انبار غله» یاد می‌شده است. به همین دلیل، آب هلمند به عنوان سرمایه‌ی تضمین‌کننده موجودیت ساکنین منطقه اهمیت بالایی داشته است. از لحاظ تاریخی، حتی قبل از عهدنامه<sup>۴</sup> پاریس در سال ۱۸۵۷، منازعاتی بر سر حدود مرزی و میزان آب مصرفی (حقابه) برای شرب و کشاورزی بین قسمت‌های بالادست و پایین‌دست دریا وجود داشت. در دهه‌های اخیر، افزایش میزان استفاده از آب در منطقه به علت افزایش جمعیت در منطقه و هم‌چنین خشکسالی‌های طولانی، موجب تشدید منازعات و امنیتی‌شدن مسئله شده است. چندی پیش کمبود آب در ایران باعث مطرح‌شدن این مسئله در شورای عالی امنیت ملی ایران شده بود و حتی وزیر نیرو (انرژی) ایران اعلام کرد که با تشدید بحران آب در ایران، این موضوع به «موضوع امنیتی» تبدیل شده است (رادپو فردا، ۱۳۹۶).

سؤال اصلی در این نوشته این است که با وجود پیشینه<sup>۵</sup> تنش‌آلود هیدروپولیتیک هلمند بین دو

1. Geopolitics.

2. Hydro politics.

۳. (خُض یا ضَّ) (ل. ا. ع. [۸] ناحیه یا منطقه‌ای که آب‌های آن به یک‌جا می‌ریزد. ۲) ناحیه‌ای که از آب یک رودخانه مشروب می‌شود (فرهنگ فارسی معین).



کشور همسایه، افغانستان و ایران، چگونه می‌توان زمینه‌ای برای رفع تنش‌ها و ایجاد همکاری بین دو کشور افغانستان و ایران متصور شد؟

فرض نویسنده بر این است که با توجه به گسترش همکاری‌ها در جهان امروز، وابستگی فزاینده کشورها به یکدیگر و بدل شدن بسیاری از منازعات به همکاری، می‌توان در چارچوب نظریات همگرایی و همگرایی منطقه‌ای این چالش امنیتی را به فرصتی جهت گسترش همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی بدل کرد. در ابتدا به پیشینه مناقشات هلمند می‌نگریم و سپس به عوامل ایجاد همکاری و همگرایی اشاره خواهد شد.

### ۱. پیشینه مناقشات هلمند

دریای هلمند در فارسی هم‌چنین با نام‌های «هیرمند»، «هلند»، «هلموند» یا «هیلمند» و «دریای هیلمند» و در لاتین به نام «ER MANDRUS» مشهور است. هلمند در جنوب غربی افغانستان و شرق ایران جریان دارد. در ازای آن از ۱۱۵۰ تا ۱۴۵۰ کیلومتر و پهنای آن از ۲۰۰ تا ۶۰۰ متر و ژرفایش را از ۲ تا ۵ متر آورده‌اند (مؤسسه فرهنگی مطالعات ابرار معاصر، ۱۳۸۶: ۴۶۳). این دریا در موسم بهار و اوایل تابستان طغیان می‌کند و در هنگام طغیان، عرض آن به ۷۰۰ متر می‌رسد (بای، ۱۳۸۴) و در مسیر خود به سوی سیستان و نهایتاً به ایران و دریاچه (جهیل) هامون، دریا‌های متعددی به آن می‌پیوندند که عبارتند از: کاری دریا که شاخه اصلی است و دریا‌های موسی قلعه، ارغنداب، ترنک، ارغستان، خاشرود، فراه‌رود و ادرسکن (بای، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۰۸).

سیستان امروزی در ایران بخش کوچکی از سیستان گذشته را شامل می‌شود که دریاچه هامون را با تالاب‌های اطرافش دربردارد و اصل سیستان که روزگاری انبار غله منطقه حساب می‌شده است، در افغانستان قرار دارد و شامل نیمروز و زرنج و ... می‌باشد. پس از شکست ناپلئون و راحت شدن خیال انگلیسی‌ها از بابت وی، آن‌ها در صدد تفکیک دو کشور ایران و برآمدند تا افغانستان را حایلی بر سر راه کشورهای ایران و روس به منظور جلوگیری از دست‌یابی‌شان به هند قرار دهند. در سال ۱۸۵۶، ناصرالدین شاه با زیر پا گذاردن معاهده ۱۸۵۳ هرات را به تصرف خویش درآورد؛ اما انگلیسی‌ها در مقابل به جنوب ایران حمله کردند و شط العرب، کارون و اهواز را تصرف کردند و با این ترفند سیاسی، مقدمات مذاکره صلح و عقد قرارداد ۱۸۵۷ را که فصل‌های پنجم و ششم آن زمینه‌های ایجاد مرزهای کنونی ایران و افغانستان را به وجود آورد، فراهم کرد (بای، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۱۷). عهدنامه فوق در پاریس توسط «لرد کاولی» سفیر انگلیس و فرخ خان امین‌الملک سفیر ایران امضا شد (بای، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

پس از قرارداد پاریس ۱۸۵۷ تا به امروز، افغانستان در صدد توسعه بخش زراعت در کشور برآمد



و به ساخت بند‌های کوچک و بزرگی بر روی هلمند اقدام کرد. به نظر می‌آید که این موضوع باعث کاهش میزان آب در انتهای دریا در ایران شده و بارها باعث اعتراض از جانب ایران و ایجاد تنش میان ساکنین مرزی به خاطر خشک ماندن زمین‌های زراعتی‌شان شده بود. تنش‌ها روی موضوع حقیابۀ هلمند چندین مرتبه با پادرمیانی انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها به طور موقت مرتفع شده است؛ اما بعد باعث ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی گردیده است.

## ۲. نظام‌های حقوقی هلمند از لحاظ تاریخی پس از معاهده پاریس ۱۸۵۷

کمبرود آب در منطقه باعث تلاش فراوان ایران و افغانستان در طول بیش از یک قرن برای به دست آوردن بیش‌ترین سهم از حوضه‌های آبی مشترک هلمند و هریرود (هلیل رود) شده است. تنش‌های مکرر دو کشور افغانستان و ایران بر سر مسئله هلمند که عمدتاً بر سر میزان آب ساکنین این حوضه آبی مشترک می‌باشد، باعث شده است تا طرفین برای رفع مسائل بارها به همکاری برای حل مسئله از طریق داوری و توافقات قانونی دست بزنند؛ با وجود این، تمامی این اقدامات باعث از بین رفتن منازعات گاه و بیگاه دو کشور بر سر منابع آبی در مرزهای مشترک نشده است. نظام‌های حقوقی عمده بین دو کشور برای تقسیم آب هلمند شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱. حکمیت سر فردریک گلداسمیت<sup>۱</sup> ۱۲۵۱ ش (۱۸۷۳ م)؛
۲. حکمیت مک ماهون<sup>۲</sup> ۱۲۸۲ ش (۱۹۰۵ م)؛
۳. قرارداد تقسیم آب دریای هلمند ۱۳۱۷ ش (۱۹۳۹ م)؛
۴. معاهده دریای هلمند بین افغانستان و ایران طبق گزارش کمیسیون دلتای دریای هیرمند<sup>۴</sup> ۱۳۳۰ ش (۱۹۵۱ م)؛
۵. قرارداد تقسیم آب هلمند ۱۹۷۲ م (۱۳۵۱ ش) (Mojtahed zadeh, ۲۰۰۷:۲۲۵-۲۴۸ و بای، ۱۳۸۴:۱۱۹).

پس از اختلاف مرزی بین ایران و افغانستان در سیستان، در سال ۱۸۷۰ «لرد کلارندن»، وزیر خارجه وقت انگلستان، طبق عهدنامه پاریس، به دولت ایران پیشنهاد می‌کند که برای حل اختلافاتش با افغانستان در خصوص اراضی سیستان به انگلستان مراجعه کند (امامی، ۱۳۸۱). پس از موافقت دو دولت برای حکمیت طرف انگلیسی، «میجر جنرال سر فردریک گلد اسمیت» از جانب دولت

1. Water right.  
2. Sir Frederick Goldsmith.  
3. Sir Henry McMahon.  
4. Helmand River Delta Commission.



انگلیس به عنوان حکم تعیین شد. وی پس از دو سال مسافرت در آن نواحی و تحقیق و بررسی، سرانجام در ۱۸۷۲ رأی خود را صادر کرد (امامی، ۱۳۸۱). گلد اسمیت از مستشاران انگلیسی بود که قبلاً مأموریتش تعیین حدود مرزهای بلوچستان بود.

این عبارت آخرین بند حکمیت است که به علت تقاضای افغانستان از سوی گلد اسمیت این‌گونه تفسیر شد که «این موضوع شامل آنهار موجود و آنهار قدیمی متروکه که توسط افغانستان تحت تعمیر واقع خواهد شد و هم‌چنین شامل حفر آنهار جدید می‌شود؛ مشروط بر آن‌که آب لازم برای آبیاری سواحل ایران تقلیل نیابد.» این رأی در سال ۱۸۷۳ مورد قبول و موافقت دو دولت ایران و افغانستان واقع شد (امامی، ۱۳۸۱).

از سال ۱۸۷۲/م ۱۲۸۹ق تا سال ۱۹۰۳/م ۱۳۲۱ق، طی مدت تقریبی ۳۰ سال، اختلافات با وساطت حکام محلی طرفین حل و فصل می‌شد. تغییر مجرای هلمند در سال ۱۸۹۶ و علامت‌گذاری نشدن مرز توسط گروه گلد اسمیت باعث ایجاد اختلاف دیگری شد که خشکسالی سال ۱۹۰۲ آن را تشدید کرد و موضوع دوباره به حکمیت انگلیس ارجاع شد.

این بار سرهنگ «مک ماهون»<sup>۱</sup> را مأمور بررسی کردند. وی همان مسیر گلد اسمیت را تأیید کرده و آب را بین دو کشور تقسیم کرد؛ به طوری که ۲/۳ آب را به افغانستان و ۱/۳ را به ایران داد. بر اساس عهدنامه ۱۸۵۷ پاریس نیز ایران ملزم شده بود که در صورت عدم قبول رأی صادره باید از آن رأی از وزیر امور خارجه انگلیس استیناف بخواهد (بای، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

در بند ج از فقره ۹ رأی صادره از طرف مک ماهون، ثلث آب بند «کمال خان» را برای مشروب نمودن تمام زراعت در خاک ایران «خیلی مکفی» دانسته و اظهار داشت که «میزان ۱/۳ آب هلمند در آتیه زراعت موجود را توسعه بسیار می‌دهد (بای، ۱۳۸۴: ۱۲۴) و نیز ایران از واگذاری قسمتی از آب سهم خود به دولت ثالث منع شده بود (ماده ۷). دولت افغانستان اظهار داشت که حکمیت اسمیت «از وقت صدور منسوخ بوده» و به همین دلیل، دولت ایران به حکمیت ماهون مراجعه کرده و از طرفی چون ایران حکمیت ماهون را نپذیرفته بود؛ از این رو، بین دو دولت قراردادی درباره موضوع تقسیم آب در قبال دولت ایران ندارد.» (بای، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

با استقلال افغانستان از انگلیس پس از سال ۱۹۱۹، قرارداد پاریس سال ۱۸۵۷ که مبنای حکمیت سابق بود، منسوخ شد و دو کشور به دنبال حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف افتادند (بای، ۱۳۸۴: ۱۲۷). البته در دوره رضاشاه، شاه سابق ایران، مذاکراتی روی مسئله هلمند بین افغانستان و ایران از سال ۱۳۱۰ شمسی شروع و در سال ۱۳۱۷ شمسی به توافق رسید. قرارداد مذکور شامل ۱۶ ماده

1. Colonel Man Mahon.



و یک اعلامیه بود. گفته می‌شود که قرارداد مذکور بعد از امضای دو دولت در سال ۱۳۱۸ شمسی جهت تأیید به مجالس نمایندگان آن‌ها رفت. قرارداد در مجلس نمایندگان ایران تأیید؛ اما در شورای ملی افغانستان رد شد (غبار، ۱۳۷۵: ۱۱۶۴).

در سال‌های بعدی و با ادامه تنش‌ها بر سر آب هلمند، به منظور میانجی‌گری میان ایران و افغانستان، دولت امریکا کمیسیونی مرکب از سه کارشناس از اتباع دولت‌های امریکا، شیلی و کانادا به همراه نمایندگان افغانستان و ایران (به نام کمیسیون دلتای هلمند) را برای رفع مناقشه میان دو کشور پیشنهاد کرد (موسی‌زاده و عباس‌زاده، ۱۳۹۵). این افراد وظیفه داشتند تا از ابتدا تا انتهای دریای هلمند را بررسی کنند و پس از مطالعه دقیق و جامع، نظرات خود را درباره موضوع هلمند و نحوه استفاده از آب آن به دو طرف اختلاف پیشنهاد کنند. کمیسیون مذکور در سال ۱۹۵۱ طی گزارشی، سهم آب ایران را از هلمند از ۱/۳ به ۲۲ متر مکعب تغییر داد که این تغییر به ادعای ایران کم‌شدن سهم ایران از یک سوم حکمیت مک ماهون بود (بای، ۱۳۸۴: ۱۲۸). با وجود بازدید و بررسی حکمیت کمیسیون دلتای هلمند از نواحی مرزی و طول دریا، دولت ایران همانند نتیجه آرای گلد اسمیت و مک ماهون، اعتراضاتی درباره کم‌شدن حقایق خود در گزارش دلتا داشت و خود را در رأی صادره متضرر می‌پنداشت.

دولت افغانستان طی یادداشتی در آبانماه ۱۳۳۱ ش به سفارت ایران در کابل، موافقت خود را با رأی کمیسیون (بی‌طرف) و همچنین آمادگی برای مذاکره بر اساس گزارش کمیسیون اعلام داشت (بای، ۱۳۸۴: ۱۲۹). دولت ایران موارد اعتراضی خود را به طرف افغانی به طور مشروح اعلام کرد و برای رسیدن به راه حل «عادلانه» برای حل مسئله پیشنهاد مذاکره داد. البته گفته می‌شود که ایران در آن زمان به دولت افغانستان پرداخت پول و اعطای حق ترانزیت از طریق بندر عباس در ایران را در عوض حقایق بیشتر پیشنهاد داده بود (Dinar, 2007: 154).

در ادامه، در سال ۱۳۵۰ ش، به علت کمبود آب هلمند، دولت افغانستان از طرف ایرانی به بررسی و مذاکره دعوت کرد. مذاکرات دو کشور مجدداً تا ماه دلو ۱۳۵۱ ادامه یافت و به تهیه یک معاهده درباره آب هلمند و دو پروتکل یکی درباره وظایف کمیسیون آب و دومی راجع به حل اختلاف از طریق حکمیت منجر شد. در نهایت طبق قرارداد ۱۳۵۱، سهمیه ایران از آب هلمند به طور متوسط ۲۶ متر مکعب در ثانیه تعیین شد (۲۲ متر مکعب در ثانیه میانگین سهم ایران در هر ماه و یک مقدار اضافی متوسط چهار متر مکعب در ثانیه متناسب با تقسیمات ماهانه و به سابقه حسن نیت و علایق برادرانه از طرف افغانی به ایران تحویل داده می‌شود). (بای، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

این معاهده به وسیله موسی شفیق، صدراعظم افغانستان، و هویدا، نخست‌وزیر وقت ایران، در



ماه حوت ۱۳۵۱ به امضا رسید. در این معاهده هم‌چنین طرفین توافق کردند که هر نوع ساختمان فنی مشترک به منظور استحکام بستر دریا در مواضعی که خط مرزی در بستر دریا واقع است، مجاز می‌باشد. طرفین توافق کردند که تأسیسات مشترک و مناسبی با شرایط مورد قبول احداث و علایم لازم نصب کنند تا مقادیر معین آب مندرج در مواد این معاهده به صورت مؤثر و دقیق اندازه‌گیری و تحویل شود. ایران هم تعهد کرد تا هیچ ادعایی بر آب هلمند بیش از مقداری که طبق معاهده تثبیت شده، نداشته باشد؛ حتی اگر مقادیر آب بیش‌تری هم در دلتای سفلی هلمند فراهم باشد. اما همین‌که معاهده به تصویب پارلمان دو کشور رسیده بود و در شرف مبادله اسناد مربوطه به آن بودند، وقوع کودتا در افغانستان در سال ۱۳۵۲ و تغییر رژیم شاهنشاهی به جمهوری اسلامی، یکبار دیگر اجرای آن را مثل سایر معاهدات گذشته دو کشور تا سال ۱۳۵۶ به تعویق انداخت. در سال ۱۳۵۶ بار دیگر مفاد معاهده ۱۳۵۱ به امضای نمایندگان دو کشور رسید که اعتبار و سندیت اجرایی یافت (امامی، ۱۳۸۱).

### ۳. مسئله هلمند در دهه‌های اخیر

در دوره تسلط طالبان بر افغانستان (۱۹۹۶-۲۰۰۱)، روابط افغانستان و ایران بر سر کشته‌شدن هشت دیپلمات ایرانی در سال ۱۹۹۸ در مزارشریف به دست طالبان به تیره‌ترین حد خود رسید. در جریان خشکسالی‌های سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ هم طالبان جریان آب هلمند را بر ایران بستند (روزنامه ۸ صبح، ۱۳۹۵). تا سال در سال ۲۰۰۲ م، پس از روی کار آمدن حامد کرزی، در سفر سه روزه وی به ایران، موافقت‌نامه‌هایی در مورد مبارزه با تروریسم، همکاری در مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر و ایجاد کمیسیون عالی‌رتبه مشترک توافق صورت گرفت. هم‌چنین، دو طرف بر اجرای پیمان ۱۳۵۱ در باب حقیقه ایران از هلمند تأکید کردند (مؤسسه فرهنگی مطالعات ابرار معاصر، ۱۳۸۶: ۴۷۶).

دولت افغانستان در سال‌های اخیر اعلام کرده است که قصد بازسازی و سرمایه‌گذاری برای احداث چندین بند بر روی دریا‌های هلمند و هریرود دارد. از این میان، بند سلما در ولایت هرات با کمک کشور هند با هزینه ۳۰۰ میلیون دالر افتتاح شده و مرحله سوم پروژه اعمار بند کمال خان در ولایت نیمروز به تازگی آغاز شده است (خبرنامه، ۱۳۹۶). البته، این اقدامات باعث ایجاد تنش لفظی میان دولت افغانستان و ایران و اعلام نگرانی ایرانی‌ها نسبت به کم‌شدن میزان آب هلمند در ولایت سیستان و بلوچستان ایران و هم‌چنین شهر مشهد شده است.

از سوی دیگر هم با خشکسالی‌های دهه‌های اخیر، دولت مردان ایران متوجه ناکافی بودن آب ذخیره شده و به ساخت سه چاه نیمه (جهیل) در سال‌های گذشته با ظرفیت شش صد و شصت میلیون متر مکعب دست زده و چاه نیمه چهارم به همراه یک بند توزیع آب به ظرفیت ذخیره‌سازی

برابر با هشتصد و ده میلیون متر مکعب آب بعداً تکمیل شده است (شبکه خبری آب، ۱۳۸۷). طرح احداث خط لوله ۱۹۲ کیلومتری (آب برای شهر یک میلیون جمعیتی زاهدان) از پروژه‌های مهم دیگر بود که جهت انتقال آب ذخیره‌شده از دریای هلمند در چاه نیمه‌ها به شهر زاهدان در سال ۱۳۸۳ به بهره‌برداری رسید. لازم به یادآوری است که این طرح یعنی تهیه آب مورد نیاز شهر زاهدان (شهری نزدیک به مرز ایران با افغانستان) با جمعیت تقریبی یک میلیونی آن از ذخیره‌های آب هلمند برخلاف موافقت‌نامه تقسیم آب هلمند میان ایران و افغانستان است و از لحاظ حقوقی نیاز به بررسی دارد.

کمبود منابع آب شیرین باعث شده است که رقابت برای تأمین آب و دسترسی به منابع آبی به مسئله امنیت ملی تبدیل شود (Gleick, 1993). اما امنیتی کردن مسئله حقیقتاً هلمند در گذشته به جز هزینه جانی و مالی و تیرگی روابط سیاسی، حاصلی برای دو کشور نداشته است. طبق گفته «بوزان» و «ویور» (اندیشمندان مکتب امنیتی کپنهاگن) اساساً باید نگاه منفی به امنیت داشت و به عنوان نوعی ناکامی در برخورد با مسایل به عنوان مسئله سیاسی عادی آن را در نظر گرفت (Buzan, Waever, & Wilde, 1998: 29). از این منظر، امنیتی کردن مسئله را می‌توان نوعی به بن‌بست رسیدن روندهای سیاسی و دیپلماسی بین طرفین در نظر گرفت که انعطاف‌پذیری کم‌تری در برخورد با بحران و ارائه راه‌حل سیاسی دارد. با وجود رژیم‌های حقوقی تعیین‌شده برای حقیقتاً هلمند، گره‌خوردن این مسئله با مسائل دیگری هم‌چون مهاجرت، تجارت و سیاست بین دو کشور پیوند خورده است و ضرورت رسیدن به یک توافق همه‌جانبه برای حل مسایل مشترک را ایجاب می‌کند. این نوشته در نظر دارد زمینه کاهش تنش و رسیدن به همکاری در مسئله هلمند را با توجه به مسایل جاری دیگر بین دو کشور بررسی نماید.

#### ۴. چارچوب نظری

با گسترش همکاری‌های اقتصادی در دنیا، مفهوم نظام‌های نفوذپذیر روزنا به منظور ایجاد پیوستگی میان نظام‌های ملی و بین‌المللی مطرح شد. نظریه وابستگی متقابل<sup>۱</sup> در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، نظریه‌ای برای توصیف پیوند پیچیده میان سیاست و اقتصاد در این دوره بود. نظام وابستگی متقابل از جمله نظام‌های نفوذپذیری است که بازیگران سعی دارند به جای اولویت‌دادن به امور نظامی، شبکه‌ای از اهداف اقتصادی و رفاهی را ایجاد کنند که در آن دولت‌های این نظام سعی دارند از نیروی نظامی علیه یکدیگر به کار نگیرند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۵۰-۵۱).

در قرن گذشته، با آشکار شدن ناتوانی کشورها در تأمین امنیت رفاهی جامعه، بین مطالبات مردم



بنیاد اندیشه



1. Interdependence.



نسبت به حکومت‌ها روز به روز اضافه‌تر می‌شود. گروهی از دانشمندان با عدول از بدبینی فلسفی واقع‌گراها و روی آوردن به خوش‌بینی فلسفی در اندیشه یافتن راه‌حل مناسب برای امنیت رفاهی شهروندان شدند (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۲). نظریه «همگرایی»<sup>۱</sup> و «وابستگی متقابل» می‌تواند به خوبی ضرورت ایجاد همکاری میان واحدهای سیاسی در زمینه‌های مشترک اقتصادی را برای کاهش تنش در زمینه‌های اختلاف توضیح دهد. در اغلب موارد از همگرایی به عنوان شیوه‌ای برای حل و فصل درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی یاد شده است که طی آن به تدریج واحدها و مناطق دیگر را شامل شده، در بلندمدت باعث بسط و گسترش اینترناسیونالیسم می‌شود (قوم، ۱۳۸۴: ۲۴۷). سه نظریه مطرح در همگرایی عبارتند از: نظریه همگرایی میترانی، نظریه کارل دویچ و نظریه هاس و اشمیتر که در این جا به آن‌ها اشاره می‌شود.

از دید میترانی، علل همکاری بین‌المللی را در قلمرو وابستگی متقابل کارکردی می‌توان یافت. میترانی بر اجتناب‌ناپذیر بودن همکاری میان دولت‌ها به دلیل مشکلات فنی فراوان و عدم توانایی سیاست‌مداران در حل آن‌ها تأکید دارد (عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۱۲۳). وی بر همکاری‌های فراملی تأکید داشته و ناسیونالیسم و ایدئولوژی‌های ملی در چارچوب دولت ملی را عامل ناامنی می‌داند؛ لذا وی به واگذاری صلاحیت‌های دولت‌های ملی<sup>۲</sup> به نهادهای فراملی و تفویض این اختیارات را باعث بهتر شدن روند همکاری می‌داند (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۲). نظریه سابق کارکردگرایی بر رفاه اقتصادی و اجتماعی جهانیان و نادیده‌گرفتن مرزهای کشورها و دیگری بر تأسیس سازمان‌های بین‌المللی که با فعالیت‌ها و کارکردهای مختلفی در پی برآوردن نیازهای اجتماعی - اقتصادی انسان تأکید داشت. میترانی با استفاده از این دیدگاه، اعتقاد داشت که می‌توان اقتصاد و سیاست را از هم جدا کرد. آنچه به اقتصاد و حیات اجتماعی مربوط می‌شود، در عرصه سیاست پایین یا ملایم قرار می‌گیرد و احتمال همکاری در آن می‌رود (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۶۰). میترانی فرضیه «تسری آ» را مطرح می‌سازد؛ به این معنا که همکاری در یک زمینه موجب سرایت همکاری در سایر زمینه‌ها می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۳). وی در این زمینه بر همکاری‌های فنی و اقتصادی و نیز موافقت‌نامه‌های امنیتی تأکید دارد و به طوری همکاری‌های غیرسیاسی و اقتصادی را لازمه همکاری‌های سیاسی و امنیتی می‌شمرد.

کارل دویچ امریکایی به نوع دیگر موضوع را از دیدگاه تعامل و مراودات بین دولت‌ها نگاه می‌کند.

1. Integration.
2. Nation-state.
3. Spillover.



در طیف این مناسبات، اموری هم‌چون تجارت، توریسم، مراودات پستی و مهاجرت قرار می‌گیرد. به عقیده آن‌ها این ارتباطات منجر به تشکیل «جوامع امنیتی»<sup>۱</sup> یا سیستم‌های سیاسی-اجتماعی ادغام‌شده می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۹).

به نظر کارل دویچ، دو روند متفاوت همگرایی ممکن است شکل گیرد. او این دو روند را به نام‌های همگرایی ادغام‌شده و همگرایی کثرت‌گرا نام‌گذاری می‌کند. به نظر کارل دویچ، همگرایی می‌تواند زمینه‌ساز چهار ارزش زیر شود: حفظ صلح، حصول ظرفیت‌های چندمنظوره، رسیدن به بعضی وظایف خاص و بالاخره کسب هویت و تصویر جدیدی از خود (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۳). «ارنست هاس» از دانشگاه کالیفرنیا-برکلی از جمله نوکارکردگرایان است. نوکارکردگرایی معتقد است که به سبب نبود احتمال رسیدن به وحدت منافع، تأمین ثبات از طریق مدیریت کارآمد منازعات در جامعه متکثر ممکن می‌باشد. هاس معتقد است همگرایی پروسه‌ای است که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل در کشورهای مختلف به این باور تن در می‌دهند که نفع آن‌ها در تجمع و وحدت در تأسیس متمرکز جدیدی است که جایگزین دولت‌های ملی می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۷).

هاس و اشمیتز در روندهای همگرایی بر منطقه‌گرایی<sup>۲</sup> تأکید دارند. البته، باید ذکر کرد که نوکارکردگرایان معتقدند که همگرایی اقتصادی به تنهایی به اتحاد سیاسی منتهی نخواهد شد؛ بلکه آن‌ها بر اسلوب‌های چانه‌زدن میان نخبگان سیاسی و نیز استراتژی‌هایی که آن‌ها در روند همگرایی به کار می‌گیرند و هم‌چنین بر انگیزه‌های بازیگران سیاسی مشارکت‌کننده و پیامدهای غیر قابل‌انتظاری که بر اثر تعقیب منافع متعارض هریک از بازیگران حاصل می‌شود، تأکید می‌کنند (قوام، ۱۳۸۴: ۲۴۹).

در مورد تسری همکاری‌ها- همان‌طور که دویچ معتقد به سرایت همکاری به سایر زمینه‌ها بود- هاس و اشمیتز نیز معتقدند که با آغاز همکاری در یک زمینه، دو روند تسری افقی و تسری عمودی شکل می‌گیرد. مفهوم تسری یا پیشروی افقی- عمودی در کتاب هاس دربارهٔ جامعه، زغال و فولاد اروپا از اهمیت محوری برخوردار است. این یعنی همان چیزی که میترانی آن را اصل انشعاب خوانده است. تسری افقی زمینه‌های فعالیت را از یک حوزه به دیگر حوزه هم‌عرض می‌کشاند؛ اما تسری عمودی آن است که این همکاری‌ها بالاخره زمینه را برای همکاری فوق‌ملی در یک واحد سیاسی منطقه‌ای، چون جامعه اروپا، فراهم خواهد کرد (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

1. Security community.  
2. Regionalism.



ارنست هاس و اشمیتز در کارهای مشترک و منفردشان نسبت به بروز همگرایی اظهار امیدواری کردند. آن‌ها ده شرط را به عنوان معیارهای ارزیابی میزان همگرایی بین کشورهای یافت. چنانچه آن شرایط وجود داشته باشند، آنگاه سه عامل سیاسی شدن مردم، برون‌گرایی و تسری (سرریز) زمینه را برای همگرایی منطقه‌ای فراهم خواهد کرد (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۳).

### ۵. امکان همگرایی در مسئله هلمند

دو موضوع در مطالعه هیدروپولیتیکی دریای هلمند (و هریرود) می‌تواند مطرح نظر باشد: نخست، مسایل و منازعات مربوط به هلمند ما را بر آن می‌دارد که به دنبال راه‌کارهای ویژه به منظور رفع اختلاف به طور پایدار باشیم. این راه‌کارها باید دارای دو ویژگی باشند: از یک جهت سلبی بوده و عوامل تنش‌زا را از بین ببرند و از طرف دیگر با رعایت منافع طرفین، سعی شود زمینه‌های همکاری در این زمینه و زمینه‌های بیش‌تر دیگر فراهم شود. دوم، نگاه غالب دولت‌ها بر موضوع آب هلمند در طول دهه‌های گذشته همانند منازعات بین‌المللی ترکیه و عراق بر سر دریا‌های دجله و فرات و یا کشورهای مصر، سودان، اتیوپی و اوگاندا بر سر دریای نیل نگاه امنیتی بوده و باعث دوامدار شدن منازعات شده است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، نگاه امنیتی به مسایل راه را بر اجرای سیاست عادی و دیپلماسی می‌بندد و انجام هرگونه عمل فوق‌العاده و تنش‌زا را موجه می‌سازد. افزایش همکاری‌های اقتصادی میان دو واحد سیاسی می‌تواند تعلقات و منافع مشترک آنان را افزایش داده و زمینه همکاری در بخش‌های سیاسی و امنیتی را نیز تسهیل کند.

قدم‌های اولیه در رویکرد همگرایی اقتصادی‌اند؛ اما این امر در صورت افزایش همکاری‌ها و درگیری منافع می‌تواند به همکاری‌های سیاسی منجر شود. از آن‌جا که همه واحدهای ذینفع منافی در فرایند همگرایی می‌بینند، همگرایی تحقق خواهد یافت؛ هرچند که شاهد بحران‌هایی ناشی از ضرورت اتخاذ تصمیمات سیاسی خواهیم بود؛ بنابراین، دولت افغانستان باید به دنبال استراتژی جامعی باشد که از یک‌طرف بتواند در ابتدا منافع اقتصادی کشور را تأمین کند و از طرف دیگر باعث حفظ حسن همجواری و همکاری سیاسی در منطقه شود. این استراتژی جامع لازم است که ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را دربرگیرد. امروزه، جغرافی دانان سیاسی، ژئوپولیتیسین‌ها و بسیاری از صاحب‌نظران و سیاست‌مداران، استراتژی‌ای را جامع و فراگیر می‌دانند که مبتنی بر استراتژی ژئوپولیتیک باشد (اعظمی، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

### ۶. راه‌کارهای پیشنهادی

از منظر حقوق عرفی در عرصه بین‌المللی، هرگونه راه‌کار در حوزه آب‌های بین‌المللی که نظام حقوقی



را بین طرف‌های شریک حاکم می‌سازد، باید به طور کلی سه اصل اساسی را در نظر داشته باشد:

۱. کاربرد منصفانه و منطقی، به معنای استفاده منصفانه و منطقی دولت‌ها از آب‌های بین‌المللی مشترک با در نظر گرفتن تمامی عوامل مرتبط مانند پدیده‌های طبیعی و انسانی؛
۲. جلوگیری از آسیب قابل توجه، به معنای استفاده از آب در داخل قلمرو خود بدون ایجاد آسیب جدی به کشور دیگر؛

۳. اطلاع قبلی نسبت به فعالیت‌های پلان‌شده دارای آسیب احتمالی، به معنای اطلاع‌رسانی به کشورهای دیگر نسبت به فعالیت‌های خود که آن‌ها را متأثر می‌سازد (Wolf, 2010).

البته، باید در نظر داشت که تاریخچه کشورهای شریک در حوضه‌های آب‌های بین‌المللی نشان داده است که حل منازعات مرتبط به آب‌های بین‌المللی ابزار اجرایی-حقوقی ثابتی ندارد و بیش‌تر متکی بر منافع ملی کشورها و در نهایت توافق بین کشورهای درگیر است. به طور مثال: با وجود اعتراضات کشورهای عراق و سوریه، ترکیه در سال ۱۹۹۲ به احداث بند بزرگ آتاتورک بر روی دریای فرات دست زد و در سال ۲۰۰۶ کار احداث سد بزرگ دیگری به نام ایسیلو را بر روی دریای دجله آغاز کرده است. ترکیه در دهه‌های گذشته به اعتراضاتی که اقدام ترکیه را مغایر حقوق بین‌الملل آبی می‌خوانده و نظرات دولت‌های مرتبط با این رودخانه، بی‌توجه بوده است (آقایی دیبا، ۱۳۹۶). هم‌چنین، اعتراض شدید کشور مصر به ساخت سد توسط کشور اتیوپی بر روی دریای نیل نتوانست از ادامه ساخت آن جلوگیری کند (ایگونا، ۱۳۹۳)؛ از این رو، به نظر می‌رسد توافقات سیاسی مقدم و پیش‌زمینه هرگونه توافق حقوقی در این زمینه می‌باشند.

افغانستان کشوری است دور از بنادر آبی بین‌المللی و محصور در خشکی است که به منابع انرژی و راه‌های ارتباطی بین‌المللی برای توسعه تجارت و انتقال کالای خود به سایر کشورها نیاز دارد. از طرف دیگر، آب کالای گران‌بهایی در قرن حاضر است. به علت افزایش جمعیت و کمبود منابع آب شیرین در جهان، ارزش این کالا نسبت به گذشته بیش‌تر شده است؛ بنابراین، حقایق هلمند و هریرود، متاعی است که در مبادلات اقتصادی بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای می‌تواند داشته باشد. وزن ژئوپولیتیکی و هیدروپلیتیکی افغانستان باعث افزایش قدرت چانه‌زنی دولت آن در مذاکرات اقتصادی و سیاسی خواهد شد. ایجاد توافق مبادله آب افغانستان با ایران که کشوری است ثروتمند، دارای منابع انرژی، مرزهای آبی رو به دریاها، آزاد، جمعیت بزرگ، اقتصاد رشدیافته، همسایگان متعدد و موقعیت استراتژیک منطقه‌ای، باعث سود اقتصادی هر دو طرف خواهد شد و می‌تواند چالش حاصل از تنش دو کشور را تبدیل به فرصتی برای گسترش همکاری نماید.

نخست، هاس در زمینه همکاری‌های اقتصادی ایجاد یک بازار مشترک را میان همه موضوعات



و عرصه‌های مربوط به راه‌کار، بیش از همه موجب همگرایی سریع منطقه‌ای و به حداکثر رساندن سرریزی یا تسری می‌داند که از جهتی به نظر می‌رسد به گونه‌ای با کارکردگرایان کلاسیک مشابهت دارد. وی سازمان‌های اقتصادی را که کم‌تر از خلق یک بازار مشترک یا منطقه تجارت آزادند، دارای مشکل زیادی در نفوذگذاری بر سیاست‌های اعضا می‌داند (هاس، ۱۳۸۵: ۱۴۶). پیش از این، سازمان اقتصادی ایکو در سال ۱۹۸۵ به منظور افزایش همکاری‌های منطقه‌ای میان سه کشور پاکستان، ایران و ترکیه ایجاد شده بود. با پیوستن افغانستان، این سازمان هم‌اکنون با ده عضو، حدود ۳۳۰ میلیون نفر جمعیت و ۶۹۷'۶۲۰ کیلومتر مربع وسعت کشورها، امکانات نفت، گاز و صنعت در اختیار دارد (ویکی پدیا).

دوم این‌که نیازهای افغانستان به راه‌های ترانزیت کالا مانند مسیر بندر چابهار ایران، برای صادرات و واردات از طریق آب‌های آزاد از مجرای بحر عمان یکی از نیازهای افغانستان می‌باشد. در زمینه حمل‌ونقل کالا، ایران می‌تواند در کرانه‌های بحر عمان بندری را تأسیس کند و با شرایط خاص به صادرات و واردات این کشور اختصاص دهد (کاویانی‌راد، ۱۳۸۴). در حال حاضر، زمینه ترانزیت کالا بین افغانستان و سایر کشورها از طریق بندر چابهار ایران فراهم شده است و نیاز به سرمایه‌گذاری بیش‌تر دارد.

به علاوه، به دلیل آن‌که افغانستان از لحاظ منابع هیدروکربنی چندان غنی نبوده و به خارج وابسته است، ایران می‌تواند در برابر مبادله دایمی آب با این کشور، نیازهای هیدروکربنی آن را با شرایط آسان‌تری تأمین کند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۴). ایران کشوری است سرشار از منابع گازی، نفتی و الکتریسیته. ایران با داشتن ذخیره نفت حدود ۱۵۸ میلیارد بیرل، چهارمین دارنده نفت در جهان و با داشتن ذخیره گاز تقریباً ۲۳ میلیارد متر مکعب، دومین دارنده گاز در جهان است که در سال ۲۰۱۶ توانایی تولید ۴/۶ میلیون برل نفت و ۲۰۲/۴ میلیارد متر مکعب گاز را به طور سالانه داشته است (BP Statistical Review of World Energy, 2017). گفته می‌شود که کشور ایران در نظر داشت تا صادرات گاز طبیعی خود را تا سال ۲۰۲۱ به بیش از ۱۷۰ میلیون متر مکعب در روز افزایش دهد (U.S. Energy Information Administration, 2016).

در سال ۱۹۹۳، پاکستان و ایران پلان ساخت خط لوله گاز (خط لوله صلح) را بین دو کشور اعلان کردند و بعدها ایران از ادامه این مسیر تا هند خبر داد. قرار بود خط لوله ۲۷۷۵ کیلومتر از حوزه گازی پارس جنوبی در ایران آغاز شده و بعد از گذر از شهرهایی چون کراچی در پاکستان و از طریق مولتان وارد هند شود (Curtis, Cohen, and Graham, 2008). خط لوله صلح برای انتقال گاز ایران به پاکستان و از طریق آن به هند طراحی شده بود؛ اما ایران به علت کناره‌گیری کردن هند در



سال ۲۰۰۹، به علت تحریم‌های امریکا و تنش‌های هند و پاکستان، به توسعه صادرات گاز خود از این طریق موفق نشد. افغانستان به عنوان کشوری در حال رشد در همسایگی ایران قرار دارد و نیازمند انرژی گاز و نفت این کشور است و از سوی دیگر می‌تواند به عنوان پلی برای انتقال انرژی از ایران به چین و آسیای میانه قرار گیرد. صادرات و ترانزیت گاز، نفت و سایر مواد سوختی و الکتریسیته ایران از طریق افغانستان می‌تواند منافع مشترک هر دو کشور را تأمین کند که هم نیاز انرژی افغانستان را تأمین کرده و هم به توسعه صادرات انرژی ایران کمک کند و از سوی دیگر باعث افزایش توجهات جهت تأمین بیش‌تر امنیت منطقه شود.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که بیش از دو میلیون مهاجر افغانی در ایران زندگی می‌کنند (خلیل، ۱۳۹۶: ۲۸). ایران در سال‌های گذشته بارها خواستار برگرداندن مهاجرین به افغانستان شده است. با توجه به نبود زمینه اشتغال کافی در کشور افغانستان و اوضاع ناامن برخی مناطق کشور، بازگشت این تعداد مهاجر چالش اقتصادی بزرگی بر سر راه دولت افغانستان خواهد بود. به همین دلیل، دو کشور افغانستان و ایران می‌توانند به ایجاد توافقاتی شامل دادن تسهیل روادید، حق اشتغال و آموزش به مهاجرین، اعزام نیروی کار از افغانستان به طور موقت و فصلی جهت یادگیری کارهای فنی و تخصصی و تأمین نیروی کار در ایران باشد.

مسئله مهم دیگری که ضرور است در همکاری‌های دو کشور مورد توجه قرار گیرد، مسئله زیست‌محیطی آب حوضه‌های هلمند و هریرود است. نکته اساسی این‌جا است که اثرات محیط‌زیستی محدود به مرزهای سیاسی کشورها نبوده و فرامرزی است. به همین علت، هرگونه تغییر در محیط‌زیست در یک منطقه ممکن است تأثیراتی در مناطق هم‌جوار خود داشته باشد. استفاده ناصحیح و بیش از حد از منابع آبی در هر دو سوی مرز و احداث بندهای برقی و آبی بر روی حوضه‌های آبی می‌تواند عواقب زیست‌محیطی خطرناکی داشته باشد. خشکسالی، افزایش بیابان‌ها و آلودگی ریزگردها که باعث شیوع انواع بیماری‌های تنفسی می‌شوند، از مشکلاتی هستند که مناطق مرزی ایران و عراق به دلیل عدم توجه به محیط‌زیست حوضه‌های آبی خود، گرفتار آن‌ها شده‌اند؛ بنابراین، ضرور است تا مطالعات عمیقی بر روش درست استفاده از آب در دو کشور انجام گیرد تا از ایجاد سازه‌های آبی و مصرف نابه‌جای آب، به‌خصوص در بخش زراعت، جلوگیری شود و از روش‌های کارآمد و جدید آبیاری و توزیع آب استفاده شود.<sup>۲</sup>



1. Dust; aerosols.

۲. در زمینه حفاظت از منابع آبی افغانستان به «قانون آب» وزارت عدلیه سال ۱۳۸۸ مراجعه نمایید.

## ۷. چالش‌ها

عدم تمایل طرفین به همکاری، مانع کلانی برای توسعه روند همگرایی در بخش‌های اقتصادی و سایر بخش‌ها خواهد بود. همان‌طور که ذکر شد، قبلاً سازمان همکاری‌های منطقه‌ای (ایکو<sup>۱</sup>) به منظور استفاده از پتانسیل‌های همکاری بین کشورهای منطقه ایجاد شده بود. اما باید توجه داشت که با وجود آن‌که سازمان‌های منطقه‌ای ابزاری برای تسهیل مذاکره مستقیم میان دولت‌ها هستند، صرفاً شکل‌گیری و رشد این‌گونه آن‌ها به معنای تحقق منطقه‌گرایی نیست و نوع توافق و کیفیت آن‌ها است که سرنوشت همگرایی را در سطح منطقه رقم می‌زند (مستقیمی و قوامی، ۱۳۸۷). عدم همسانی انگیزه‌ها، اهداف و نظام‌های اقتصادی-سیاسی در کشورهای عضو ایکو باعث شد این سازمان به اندازه‌ی هم‌تایان خود نظیر آسه‌آن<sup>۲</sup> در افزایش همکاری میان اعضایش پیشرفت نداشته باشد (امیدی، ۱۳۸۸: ۳). به عبارت دیگر، اعضای ایکو به خاطر عوامل ادراکی، نبود انسجام و نبود زیرساخت‌های اقتصادی از بستر اقتصادی مشترک برای رسیدن به همگرایی در قالب هویت مشترک برخوردار نیستند (کولایی و سازمند، ۱۳۹۰).

از جهت دیگر، باید دقت داشت که عدم تقارن<sup>۳</sup> در وابستگی دو طرف ممکن است به زیان افغانستان ختم شود؛ به این علت که افغانستان کشوری فقیر، در حال توسعه، محصور در خشکی و با توانمندی‌های اقتصادی و تخریکی پایین‌تری نسبت به ایران می‌باشد. با این‌که این کشور دارای منابع زیرزمینی و فراوانی مانند آهن، مس، ذغال سنگ، لاجورد، لعل و اورانیوم، و منابع روی زمینی مانند آب و جنگلات است، تکنولوژی و سرمایه‌گذاری کافی برای توسعه این بخش‌ها به طور کامل فراهم نیامده است.

هم‌چنین، افغانستان برای توسعه خود نیازمند انرژی برق، گاز و نفت، راه‌های مواصلاتی و دسترسی به آب‌های آزاد برای واردات و صادرات خود می‌باشد. ایران کشوری است با پتانسیل اقتصادی بالا، منابع انرژی سرشار نفت و گاز، تکنولوژی مناسب در برخی حوزه‌ها، امکان دسترسی به آب‌های آزاد و شبکه گسترده راه‌های جاده‌ای و خطوط آهن. این کشور در دهه‌های گذشته بارها دچار کمبود آب، به‌ویژه در منطقه شرق خود و در همسایگی افغانستان، شده است. این کشور در سال‌های اخیر صادرات فزاینده‌ای از محصولات خود به افغانستان داشته است و افغانستان را به عنوان بازاری در حال رشد و پرسود می‌بیند. توجه نکردن به عدم تقارن در همکاری‌های اقتصادی دو کشور می‌تواند باعث ایجاد هزینه مضاعف بر افغانستان و یک‌جانبه شدن وابستگی شود.

1. Economic Cooperation Organization.
2. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN).
3. Asymmetry.



## جمع‌بندی

وجود نظام حقوقی مورد توافق دو کشور افغانستان و ایران دربارهٔ حقایق هلمند مورد ضرورت است. معاهدهٔ تقسیم آب هلمند در سال ۱۳۵۱ ش، آخرین توافق حقوقی میان دو کشور برای تقسیم آب و اعمار بند روی هلمند بوده است. اما وجود این معاهده و توافقات پیش از این نتوانسته‌اند به طور مؤثر از اختلافات میان دو کشور بر سر این مسئله بکاهند و همین امر باعث تحریک نظامی و امنیتی دولت‌ها روی این موضوع شده است. با توجه به هزینه‌های گزاف امنیتی سازی و نظامی‌گری مسئلهٔ هلمند بین افغانستان و ایران و سلب زمینه‌های توسعه و همکاری بین طرفین، بهتر است دو کشور به دنبال راه‌کارهای مطمئن‌تر و کم‌هزینه‌تر جایگزین باشند.

چارچوب همکاری اقتصادی و غیر امنیتی، امکان مذاکره و دیپلماسی را برای رسیدن به توافق فراهم می‌کند. نظریهٔ همگرایی هاس و اشمیتر با امیدواری نسبت به بروز سرریزی این نوع همکاری به سایر زمینه‌ها، مؤثر بودن همکاری در حوزهٔ اقتصادی را بیان می‌کند. تضمین امنیت حقایق ایران در هلمند (و هم‌چنین هریرود)، در کنار طرح‌های توسعهٔ آبی و زراعتی افغانستان می‌تواند زمینهٔ گرایش هر دو کشور را در استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی‌شان فراهم سازد. ایجاد و گسترش همکاری در زمینهٔ اقتصادی می‌تواند باعث تسری همکاری‌ها در بخش‌های سیاسی شود؛ به طوری که همکاری‌های اقتصادی همگام با توافق بر سر استفاده از آب، بر سر موضوعاتی هم‌چون تبادل کالا و انرژی، کاهش تعرفه‌های تجاری بین دو کشور، امتیاز استفاده از بنادر تجاری آبی ایران هم‌چون چابهار، استفاده از راه‌های مواصلاتی افغانستان به منظور صادرات کالا و انرژی ایران به آسیای میانه و چین، ممکن است باعث گسترش همکاری‌ها در آینده در حوزه‌های مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تروریسم و سایر همکاری‌های سیاسی-امنیتی شود.

هم‌چنین، هر دو کشور می‌توانند با تبادل معلومات و تخصص در استفاده از روش‌های علمی آبیاری مدرن و استفادهٔ صحیح منابع آبی مشترک، باعث جلوگیری از ضیاع آب، خشکسالی و پیامدهای منفی آن در آینده شوند. توسعهٔ زراعت و رونق بازار کالاهای زراعتی در منطقه سبب تشویق دهقانان افغان به زراعت محصولات متنوع به جای تریاک در زمین‌های حاصل‌خیز حوضهٔ هلمند شده و می‌تواند کاهش کشت مواد مخدر را در پی داشته باشد. به این ترتیب، نه تنها تولید و قاچاق مواد مخدر کاهش خواهد یافت؛ بلکه افزایش تولیدات زراعتی باعث تبدیل شدن افغانستان به قطب محصولات زراعتی منطقه خواهد شد.





## منابع

۱. آقایی دیبا، بهمن (۱۳۹۶/۵/۱۸)، آیا سدسازی ترکیه روی رودهای منطقه‌ای دجله و فرات قانونی است؟ خبرگزاری بی‌بی‌سی، برگرفته از: <http://www.bbc.com/persian/iran-features-40873230>
۲. اعظمی، هادی (۱۳۸۵)، «وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غرب آسیا)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۳ و ۴.
۳. امامی، منوچهر (۱۳۸۱)، «رودخانه مرزی هیرمند و اثرات امنیتی آن»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک.
۴. امیدی، علی (۱۳۸۸)، منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آسه‌آن، سارک و اکو، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۵. ایگونا، امانوئل (۱۳۹۳/۱/۱۶)، سد بزرگ اتیوپی، رود نیل در مصر را خواهد خشکاند؟ خبرگزاری بی‌بی‌سی، برگرفته از: [http://www.bbc.com/persian/business/2014/04/140405\\_an\\_ethiopia\\_nile\\_egypt](http://www.bbc.com/persian/business/2014/04/140405_an_ethiopia_nile_egypt)
۶. بای، یارمحمد (۱۳۸۴)، هیدروپولیتیک رودهای مرزی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۷. پلینو، جک. سی. و آلتون، روی (۱۳۷۵)، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حسن پستا، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۹. خبرنگار (۱۳۹۶/۵/۱۵)، سدسازی کابل؛ نگرانی‌های تهران و پیامدهای استراتژی مدیریت آب افغانستان، برگرفته از: <http://khabarname.net/blog/2017/07/06/iran-concerns-over-afghanistan-dam-constructions/>
۱۰. خلیل، محمدابراهیم (۱۳۹۶)، مصاحبه اختصاصی با شجاع‌الدین مراد، سرپرست ریاست دفتر مقام وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان، مجله عودت، شماره ۴.
۱۱. رادیو فردا (۱۳۹۶/۴/۱۶)، طرح موضوع بحران آب در ایران در شورای عالی امنیت ملی، برگرفته از: <https://www.radiofarda.com/a/f2-iran-high-security-council-on-water-crisis/28601228.html>
۱۲. روزنامه ۸ صبح (۱۳۹۵/۵/۱۸)، خطر منازعه آب میان افغانستان و ایران، برگرفته از: <http://8am.af/1395/05/18/risk-of-water-dispute-between-afghanistan-and-iran/>
۱۳. روزنامه اعتماد (۱۳۸۶/۱۰/۱۳)، قرارداد مرزی گلد اسمیت و آثار سیاسی - امنیتی آن/ آب‌های از دست‌رفته، برگرفته از: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1550037>
۱۴. روزنامه تفاهم (۱۳۸۸/۶/۱۳)، نگاهی به وضعیت آموزشی زنان افغانستان، برگرفته از: <http://www.tafahomnews.com/Sections-req-viewarticle-artid-2368-page-1.html>
۱۵. سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۵)، اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، تهران، نشر میزان.



۱۶. شبکه خبری آب (۱۳۸۷/۱۱/۱۱)، سد چاه نیمه چهارم با حضور وزیر نیرو افتتاح شد، برگرفته از: <http://www.wnn.ir/html/modules.php?op=modload&name=News&file=article&highlight=&sid=5747>
۱۷. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (۱)، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۸. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۵)، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲، قم، صحافی احسانی.
۱۹. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۴)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۰. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰)، نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات قومس.
۲۱. کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۴)، «مناسبات هیدروپولیتیک ایران و افغانستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۸.
۲۲. کولایی، الهه و بهاره سازمند (۱۳۹۰)، «همگرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکو و آسه‌آن» مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۷.
۲۳. مستقیمی، بهرام و حمیدرضا قوام ملکی (۱۳۸۷)، «امکان‌سنجی شکل‌گیری سامانه منطقه‌ای در اکو»، مطالعات اورآسیای مرکزی، سال اول، شماره ۲.
۲۴. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
۲۵. موسی‌زاده، رضا و مرتضی عباس‌زاده (۱۳۹۵)، «ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳.
۲۶. مؤسسه فرهنگی مطالعات ابرار معاصر (۱۳۸۶)، مرزهای ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات ابرار معاصر.
۲۷. نجفی‌زاده، سید میراحمد سیرت (۲۰۰۸)، تأملی بر چگونگی آزادی بیان در تاریخ افغانستان، برگرفته از: <http://www.aatash.org/spip.php?article316>
۲۸. وزارت عدلیه افغانستان (۱۳۸۸)، قانون آب، نمبر مسلسل ۹۸۰، تاریخ نشر: ۶ ثور ۱۳۸۸ ش، برگرفته از: <http://law.acku.edu.af/download/file/fa/26051/53071>
۲۹. ویکی‌پدیا، سازمان همکاری اقتصادی، برگرفته از: <https://fa.wikipedia.org/wiki/> سازمان همکاری اقتصادی
۳۰. هاس، ارنست بی (۱۳۸۵)، مطالعه همگرایی منطقه‌ای: تأملاتی در باب شادکامی‌ها و تلخ‌کامی‌های پیش‌نظریه‌سازی، ویراسته اندرو لینکلینتر، جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران، نشر وزارت امور خارجه.



31. BP Statistical Review of World Energy. (2017). BP Statistical Review of World Energy (Ed.). Retrieved from <https://www.bp.com/content/dam/bp/en/corporate/pdf/energy-economics/statistical-review-2017/bp-statistical-review-of-world-energy-2017-full-report.pdf>
32. Buzan, B., Weaver, O., Wilde, J. D. (1998). Security: a new framework for analysis. Colorado: Lynne Renner Publishers.
33. Curtis, L., Cohen, A., Graham, O. (2008, May 30). The Proposed Iran-Pakistan-India Gas Pipeline: An Unacceptable Risk to Regional Security. The Heritage Foundation. Retrieved from <http://libguides.unitec.ac.nz/apareferencing/magazine-newspaper>
34. Dinar, Shlomi. (2007). International Water Treaties: Negotiation and Cooperation along Tran boundary Rivers. London: Taylor & Francis.
35. Gleick, Peter H. (1993). Water and Conflict: Fresh Water resources and International Security. International Security, Vole 18, No. 1, (Summer 1993).
36. News18 (2007, 19 March) India Should Revive Iran-Pakistan-India Gas Pipeline: Parliamentary Panel. News18. Retrieved from <http://www.news18.com/news/business/india-should-revive-iran-pakistan-india-gas-pipeline-parliamentary-panel-1361627.html>
37. Mojtahed Zadeh, Pirouz. (2007). Boundary Politics and International Boundaries of Iran:: A Study of the Origin, Evolution, and Implications of the Boundaries of Modern Iran with Its 15. Universal-Publishers.
38. U.S. Energy Information Administration. (2016). International Energy Outlook 2016. Retrieved from [https://www.eia.gov/outlooks/ieo/pdf/0484\(2016\).pdf](https://www.eia.gov/outlooks/ieo/pdf/0484(2016).pdf)
39. Wolf, Aaron T. (2010). Sharing Water, Sharing Benefits: Working towards Effective Tran boundary Water Resources Management (A Graduate/Professional Skills-Building Workbook). Paris, France: the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO).

